

خاتمیّت در مسیحیّت

آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته مسأله خاتمیّت در مسیحیّت است، به این معنا که مسیحیان معتقدند عیسی علیه السلام آخرین واسطه بین خدا و خلق است و با آمدن مسیح که منجی انسانهاست صلح همیشگی بین خدا و خلق برقرار شد و عهد بین آن دو نیز به اتمام رسیده است؛ همچنین تعالیم ایشان کامل‌ترین و آخرین تعالیم و شریعت می‌باشد؛ در ابتدای این تحقیق به اثبات خاتمیّت عیسی مسیح علیه السلام به گواهی عهدین پرداخته شده و بعد از آن فلسفه خاتمیّت در این دین بیان شده است و این نتیجه گرفته شد که خاتمیّت در مسیحیّت به معنای ختم دیانت می‌باشد؛ این مسأله، در تغییر نگرش مسیحیان برای پذیرش نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش بسزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: دین، خاتمیّت، مسیحیّت، نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله

معصومه گلی‌زاده (نویسندهٔ مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم

قرآن و حدیث

دانشگاه اراک

masomehgzadeh@yahoo.com

محمدرضا قاسمی

استادیار

دانشگاه اراک

M-ghasemi.araku.ac.ir

ابراهیم ابراهیمی

دانشیار

دانشگاه اراک

e-ebrahimi@araku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱

خاتمیّت در مسیحیّت

مقدمه

تعریف‌های خاتمیّت

اثبات خاتمیّت عیسی مسیح (ع)
عهد عتیق
عهد جدید

کامل بودن تعالیم
و شریعت عیسی مسیح (ع)
نمونه‌هایی از تعالیم و آموزه‌های عیسی (ع)
نتیجه

فلسفه خاتمیّت
در مسیحیّت

وجود رسولان
بعد از عیسی (ع)
شریعت نزد رسولان عیسی (ع)
شریعت نزد پولس
سخنان پولس در تأیید شریعت
برخی از تعالیم پولس

نتیجه‌گیری

وجود کلیسا بعد از عیسی مسیح (ع)

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از جمله عقاید موجود در میان مسیحیان، خاتمیت حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد؛ ایشان عیسی مسیح علیه السلام را آخرین واسطه بین خدا و خلق می‌دانند که با آمدن وی به عنوان منجی همهٔ انسانها، صلح همیشگی بین خدا و خلق برقرار شده و عهد بین آن دو نیز به اتمام می‌رسد؛ همچنین تعالیم ایشان کامل‌ترین و آخرین تعالیم و شریعت می‌باشد. در ابتدا این مطلب به ذهن می‌رسد که مسیحیان، عیسی مسیح علیه السلام را خدا تلقی می‌کنند نه پیامبر و بشر، بنابراین خاتمیتی در این دین مطرح نیست؛ در این تحقیق به معرفی دو مسیح‌شناسی در میان مسیحیان و بیان دو معنا از خاتمیت می‌پردازیم.

تعریف‌های خاتمیت

با توجه به اینکه دو نگاه در مسیحیت مطرح است، دو تعریف از خاتمیت در این دین مطرح می‌شود؛ بنابراین ابتدا به بیان دو مسیح‌شناسی موجود پرداخته می‌شود و بعد از آن، دو تعریف ذکر می‌گردد.

گروهی مسیح را انسان، مخلوق خدا و پیامبر می‌دانستند. این گروه مسیحیان یهودی‌الاصل بودند و عقایدشان منطبق بر عهد قدیم و گفته‌های حضرت عیسی علیه السلام در اناجیل بود (ر.ک: اگریدی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۵ و ۴۵).

در حال حاضر در میان مسیحیان افرادی هستند که به آنها موحدین یا توحیدگرایان^۱ می‌گویند که نظریهٔ تثلیث را قبول ندارند و عیسی علیه السلام را تنها یک پیامبر می‌دانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴ش، ص ۷۳۴؛ هیوم، ۱۳۸۸ش، ص ۴۱۱؛ ایزدپناه، ۱۳۸۱ش، ص ۱۱۷؛ بی‌ناس، ۱۳۷۰ش، ص ۶۸۱-۶۸۰؛ حکمت، بی‌تا، ص ۲۲۹).

گروه دیگر غیر یهودیانی بودند که پیرو گفته‌های یوحنا و پولس بودند و به جنبهٔ فوق بشری و الوهی حضرت عیسی علیه السلام تاکید داشتند (ر.ک: اگریدی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۵ و ۴۵). بر اساس آن، مسیح علیه السلام کاملاً خدا و کاملاً انسان است و همراه پدر و روح القدس سه شخص تثلیث الوهیت را تشکیل می‌دهند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۴). بر اساس مسیح‌شناسی نخست، عیسی علیه السلام پیامبر خداست که برای هدایت بشر فرستاده شده و در مسیح‌شناسی دیگر با توجه به اینکه عیسی علیه السلام هم خدا و هم انسان است، جسمانیت وی بیانگر عنصر واسطه بودن ایشان است و می‌توان گفت ایشان واسطه‌ای بین خدا و خلق است. به این ترتیب خاتمیت به دو معناست:

- ۱- عیسی علیه السلام ختم‌کنندهٔ پیامبران است و دین مسیحیت آخرین و کامل‌ترین دین است؛
- ۲- عیسی علیه السلام آخرین واسطهٔ بین خدا و خلق است و دین مسیحیت نیز آخرین و کامل‌ترین دین موجود است.

اثبات خاتمیت عیسی مسیح علیه السلام

مسیحیان برای اثبات خاتمیت عیسی مسیح علیه السلام به آیاتی از عهد عتیق و عهد جدید استناد می‌کنند که به بیان و شرح آنها پرداخته می‌شود:

۱- عهد عتیق

پیش‌گویی‌هایی که در عهد عتیق درباره‌ی ظهور مسیحا است، اشاره به ظهور عیسی مسیح علیه السلام دارد و مسیحیان بر این باورند که عیسی علیه السلام همان مسیحای بنی اسرائیل بوده که در کتب انبیای بنی اسرائیل به ظهور او بشارت داده‌اند و بر تخت سلطنت داوود تا به ابد خواهد نشست و ا‌س‌ا آنچه سبب اعتبار مسیحیت شده، تحقق این پیش‌گویی‌ها و بشارت‌های عهد عتیق بود (ر.ک: کلباسی اشتری، ۱۳۸۷ش، ص ۲۷۷-۲۷۵؛ توفیقی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۲۲-۲۲۱؛ بی‌ناس، ۱۳۷۰ش، ص ۶۱۱؛ پترسن، ۱۳۸۴ش، ص ۲۳-۲۲). در کتاب اشعیای نبی علیه السلام ذکر شده: فرزندی برای ما به دنیا آمده، پسری به ما بخشیده شده، او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر جاودانی و سرور سلامتی خواهد بود؛ او بر تخت پادشاهی داوود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد و حکومتش بر اساس عدل و انصاف خواهد بود، خداوند متعال چنین اراده کرده و این‌را انجام خواهد داد (اشعیا، ۹: ۶-۷).

تا ابد سلطنت کردن عیسی مسیح علیه السلام نشان از جاودانه بودن ایشان و تعالیشان دارد که خود گواه بر خاتمیت ایشان است.

در عهد عتیق آمده که نبوت‌ها با مسیح به کمال می‌رسد. در کتاب دانیال آمده: برای قومت و شهر مقدس هفتاد هفته طول خواهد کشید تا عصیان و شرارت‌ها از بین برود، کفاره گناهان داده شود و نبوت‌ها تکمیل یافته عدالت جاودانی برقرار گردد، جهت مسح نمودن قدس الاقدس (دانیال، ۹: ۲۴). تکمیل نبوت‌ها و کامل شدن آن نصی صریح بر خاتمیت عیسی علیه السلام است.

۲- عهد جدید

از میان بخش‌های مختلف عهد جدید، محتوای رساله به عبرانیان به مسأله خاتمیت پرداخته و حاوی اندیشه مطلق بودن و خاتم بودن دین مسیحیت است و اینکه عیسی علیه السلام آخرین حلقه اتصال بین خدا و بشر می‌باشد، و نویسنده کتاب در آمدی به مسیحیت بر این موضوع تصریح می‌کند (ویور، ۱۳۸۱ش، ص ۴۳۷).

در رساله به عبرانیان آمده، شریعت موسی علیه السلام برای رستگاری انسان کافی نیست و شریعت موسی علیه السلام هیچ کسی یا هیچ چیزی را به کمال نمی‌رساند، به این ترتیب امید بهتری جای آن را گرفته و آن عیسی مسیح علیه السلام است، کسی که خدا در مورد او قسم خورده که همیشه کاهن باشد، سوگندی که برای سایر کاهنان هرگز نخورد، اما در مورد مسیح علیه السلام آمده است که خداوند قسم خورده و تغییر اراده نخواهد داد که مسیح علیه السلام تا به ابد کاهن هست؛ بنابراین بر اساس این قسم خدا، مسیح علیه السلام می‌تواند موفقیت این عهد و پیمان جدید و بهتر را برای همیشه تضمین کند. از آن جا که عیسی علیه السلام تا ابد زنده است، برای همیشه کاهن می‌باشد و نیازی به جانشین ندارد، بنابراین قادر است همه کسانی را که به وسیله او به حضور خدا می‌آیند، به طور کامل نجات بدهد و چون همیشه زنده است، پیوسته در حضور خدا برای مسیحیان وساطت می‌کند (عبرانیان، ۷: ۲۶-۱۱؛ ۱۰: ۱).

علاوه بر مطالب گفته شده، خاتمیت ایشان را از مواردی چون جایگاه و شأن عیسی مسیح علیه السلام استنباط کرد؛ اینکه او شخصی است که توانست بر و سوسه‌های شیطان پیروز شود (ر.ک متی، ۴: ۱-۱۱؛ لوقا، ۴: ۱-۱۳؛ مرقس، ۱: ۱۳-۹)، معصوم، بی‌گناه، پیرشواست (عبرانیان، ۹: ۱۴؛ همان، ۴: ۱۵؛ اول پطرس: ۲: ۲۳-۲۱)، برتر از پیغمبران (عبرانیان، ۱: ۱-۳)، فرشتگان (عبرانیان، ۱: ۶-۴)، موسی علیه السلام (عبرانیان، ۳: ۶-۲) و کاهن اعظم می‌باشد (عبرانیان، ۵: ۶-۱)، نور جهان است (یوحنا، ۸: ۱۲) و کسی است که خداوند به صحت سخنانش گواهی می‌دهد (یوحنا، ۸: ۱۸-۱۴)، داور و شاهد اعمال در دنیا و آخرت است (یوحنا، ۱۲: ۴۷-۴۸). همچنین مطمئن‌ترین و تنها راه رسیدن به خدا می‌باشد (عبرانیان، ۱۰: ۱۹؛ یوحنا ۱۴: ۶؛ عبرانیان، ۲: ۷۱-۱۹) و مهم‌ترین عامل نجات است (ر.ک: رومیان، ۵: ۱۹-۱۲؛ عبرانیان، ۹:

۱۴-۱۲، ۲۶) که قیام و رستخیز ایشان مهر تأییدی بر همه گفتارها و اعمالشان می‌باشد (اعمال رسولان، ۱: ۳-۲؛ متی ۲۸: ۲۰؛ ر.ک: میلر، ۱۳۸۲ش، ص ۳۴-۳۳).
به این ترتیب عیسی علیه السلام نمونه یک انسان کامل است که م‌سپ‌حیان او و تعالیم‌اش را کامل می‌دانند و او را الگو و نمونه کامل زندگی خود می‌دانند.

فلسفه خاتمیت در مسیحیت

مهم‌ترین عوامل خاتمیت در دین مسیحیت عبارت‌اند از:

- ۱- کامل بودن تعالیم و شریعت عیسی مسیح علیه السلام؛
- ۲- وجود رسولان عیسی علیه السلام بعد از ایشان؛
- ۳- وجود کلیسا بعد از عیسی علیه السلام که در ادامه به بیان و توضیح آنها پرداخته می‌شود.

۱- کامل بودن تعالیم و شریعت عیسی مسیح علیه السلام

شریعت به معنای آداب، اعمال، قوانین و مقرراتی است که با اجرای آنها می‌توان رضایت خداوند را جلب کرد (هوردرن، ۱۳۶۸ش، ص ۱۰). تکالیف الهی و احکام شرعی باعث می‌شوند کمالات بالقوه انسان به فعلیت برسد و به واسطه این اعمال به بالاترین درجات کمال رسید (الشیخ، ۱۳۸۷ش، ص ۲۰۳).
از گفته‌های عیسی علیه السلام نیز در اناجیل هم‌نوا بر می‌آید که وی هرگز قصد ابطال احکام و تعالیم پیامبران گذشته را نداشته است، بلکه ضمن عمل به آنها، به تکمیل هریک پرداخته است. در واقع نقش اصلی او اصلاح کردن دین یهود از زواید و پیرایه‌هایی بود که در طول زمان آن را فرا گرفته بود (تیواری، ۱۳۸ش، ص ۱۵۲).

در انجیل متی از عیسی علیه السلام مسیح نقل شده: «فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های انبیا را ابطال نمایم نیامده‌ام تا ابطال کنم، بلکه تا به کمال برسانم. یقین بدانید که تا آسمان و زمین بر جای هستند، هیچ حرف و نقطه‌ای از تورات از بین نخواهد رفت تا همه آن به انجام برسد. پس هرگاه کسی حتی کوچک‌ترین احکام شریعت را بشکند و به دیگران چنین تعلیم دهد، در پادشاهی آسمان پست‌ترین فرد محسوب خواهد شد. حال آنکه هر کس شریعت را نگاه دارد و به دیگران نیز چنین تعلیم دهد، در پادشاهی آسمان بزرگ خوانده خواهد شد» (متی، ۵ : ۲۰-۱۷).

بنابر آنچه گفته شد، حضرت عیسی علیه السلام قصد تأیید، تکمیل و اصلاح شریعت موسی علیه السلام را داشته، نه باطل کردن آن را و عمل به احکام تورات را واجب می‌داند.

مسیحیان اعتقاد دارند: عهد جدید ادامه، تکمیل و اتمام عهد عتیق می‌باشد، با این اوصاف شریعت و تعالیم ایشان کامل‌ترین و آخرین تعالیم و شریعت می‌باشد (ر.ک: ماسون، ۱۳۹۸م، ص ۳۳۵).

نباید دین مسیحیت را صرفاً دینی اخلاقی و تهی از احکام و شریعت دانست؛ اگر این دین بر اخلاقیات تأکید دارد به این جهت است که عالمان یهود در آن زمان تنها به فقه و ظاهر شریعت عمل می‌کردند و اصرار زیادی بر انجام آداب و رسوم دینی داشتند، اما اخلاق و معنویات را فراموش کرده بودند به این ترتیب عیسی علیه السلام بیان می‌داشت که اصل دین همان چیزی است که علمای یهود آن را رها کرده‌اند، و نادیده گرفتن این بخش باعث می‌شود دین اثر واقعی خود را از دست بدهد، البته این به معنای نادیده گرفتن احکام و شعائر دینی نیست. در انجیل متی باب ۲۳ عبارت ۲۳ می‌فرماید: «باید اینها را انجام دهید (عدالت، رحمت، و صداقت) و در عین حال از انجام سایر احکام نیز غفلت نکنید» (ر.ک: سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۱ و ۳۴).

در عهد جدید موارد بسیاری یافت می‌شود که حضرت عیسی علیه السلام بر انجام شریعت حضرت موسی علیه السلام تأیید می‌کند: از جمله در انجیل لوقا آمده تا زمان یحیی علیه السلام، تورات و نوشته‌های انبیا در کار بود، از آن پس مژده پادشاهی خدا اعلام

شده است و همهٔ مردم می‌خواهند با جد و جهد به آن وارد شوند. اما این به معنای این نیست که تورات اعتبار خود را از دست داده باشد و آسان‌تر است که آسمان و زمین از بین برود تا نقطه‌ای از تورات بیفتد (لوقا، ۱۶ : ۱۷-۱۶).

حضرت عیسی علیه السلام در جواب یکی از سران یهود که از ایشان پرسید: ای استاد نیکو! من چه کنم تا زندگی جاودانی داشته باشم فرمود: «خودت می‌دانی که احکام خدا چیست؟ (۱۰ فرمان خدا)، زنا نکن، قتل نکن، دزدی نکن، دروغ نگو، به پدر و مادرت احترام بگذار» (لوقا، ۱۸ : ۲۰-۱۸).

روزی یکی از علمای دین از عیسی علیه السلام پرسید، انسان برای به دست آوردن حیات جاودانی چه کار باید بکند؟ عیسی علیه السلام به او گفت: در کتاب تورات در این باره چه چیزی نوشته شده؟ جواب داد: «نوشته شده که خدای خود را به تمام دل و تمام جان خود دوست بدار و همسایه‌ات را مانند جان خود دوست بدار. عیسی علیه السلام گفت درست جواب دادی، این کار را بکن تا حیات جاودانی داشته باشی» (لوقا، ۱۰ : ۲۸-۲۵).

در انجیل متی آمده عیسی علیه السلام فرمود: «با دیگران همان‌طور رفتار کنید که می‌خواهید آنها با شما رفتار کنند. این است خلاصهٔ تورات و نوشته‌های انبیا» (متی، ۷ : ۱۲). عیسی علیه السلام به مردم و شاگردان خود گفت: «وقتی علما و فریسیان بر کرسی موسی علیه السلام نشسته‌اند، شما باید به هر آنچه آنها می‌گویند، گوش دهید و مطابق آن عمل کنید. اما از کارهای علما و فریسیان اطاعت نکنید، چون آنها به آنچه می‌گویند، عمل نمی‌کنند» (متی، ۲۳ : ۳-۱).

عیسی علیه السلام علما و فریسیان، یهود را به خاطر اینکه مهم‌ترین احکام خدا را نادیده گرفتند، نکوهش می‌کند و بیان می‌دارد: «وای به شما! ای علما و فریسیان ریاکار! شما از نعناع و شوید و زیره ده یک می‌دهید، اما مهم‌ترین احکام شریعت را که عدالت، رحمت و صداقت است، نادیده گرفته‌اید. شما باید اینها را انجام دهید و در عین حال از انجام سایر احکام نیز غفلت نکنید» (متی، ۲۳ : ۲۳).

روزی شخصی جزامی نزد عیسی علیه السلام آمد و درخواست کرد که او را شفا بخشد. عیسی علیه السلام بعد از شفا دادن آن فرد جزامی به او گفت: «هدیه‌ای را که شریعت موسی علیه السلام برای جزامی‌های شفا یافته تعیین کرده، تقدیم کاهن اعظم کن تا

همه بدانند که شفا یافته‌ای» (متی، ۸: ۴-۱؛ مرقس، ۱: ۴۵-۴۰). به این ترتیب شریعت موسی ﷺ مورد تأیید عیسی مسیح ﷺ است.

۱-۱- نمونه‌هایی از تعالیم و آموزه‌های عیسی ﷺ

عیسی ﷺ در بیانات خود می‌فرماید: شریعت و احکام برای انسانها مقرر شده، نه انسان برای آن. به این ترتیب برخی از تعالیمی که ارائه می‌دادند، جهت رفاه و آسایش مردم بود و این کار توسط پیامبرانی چون داوود ﷺ نیز صورت گرفته است.

در یک روز سبت، عیسی ﷺ از میان مزارع گندم می‌گذشت و شاگردانش در حالی که راه می‌رفتند، شروع به چیدن خوشه‌های گندم کردند و دانه‌هایشان را می‌خوردند. برخی از روحانیون یهود به عیسی ﷺ گفتند: پیروان نباید این کار را بکنند، چون برخلاف دستورات مذهبی ما است. امروز شنبه و روز استراحت است و نباید دست به هیچ کاری زد. اما عیسی ﷺ به آنها گفت: مگر در تورات نخوانده‌اید که داوود ﷺ و یارانش وقتی گرسنه بودند، چه کردند؟ ایشان وارد خانه خدا شدند و نان مقدس را خوردند، در حالی که فقط کاهنان اجازه داشتند آن نان را بخورند و به آنها فرمود: سبت برای انسان به وجود آمد نه انسان. برای سبت و پسر انسان صاحب اختیار روز سبت است (مرقس، ۲: ۲۸-۲۳؛ متی، ۱۲: ۸-۱؛ لوقا، ۶: ۵-۱).

در انجیل متی عیسی ﷺ خطاب به فریسیان می‌گوید: خدا در کتاب آسمانی فرموده من گوشت قربانی و هدایای شما را نمی‌خواهم، آنچه از شما می‌خواهم این است که رحم و محبت داشته باشید. اگر معنای این عبارت را می‌فهمید هیچ وقت افرادی را که در روز تعطیل برای رفع گرسنگی از دانه‌های گندم خوردند را محکوم نمی‌کردید، چون من صاحب اختیار روز شنبه هستم (متی، ۱۲: ۸-۷).

روزی چند نفر از روحانیون یهودی به عیسی علیه السلام گفتند چرا پیروان آداب و رسوم قدیمی ما را زیر پا می‌گذارند؟ (شستن دست‌ها تا آرنج قبل از خوردن غذا). عیسی علیه السلام به آنها گفت شما دستورات مهم خدا را کنار گذاشته‌اید و آداب و رسوم خود را جانشین آن ساخته‌اید. مثلاً موسی علیه السلام این دستور را به شما داد: به پدر و مادر احترام بگذار و هر کس به پدر و مادر خود ناسزا بگوید، سزوار مرگ است. اما شما می‌گویید: اگر کسی به پدر و مادر خود احترام ننماید، مجازات نمی‌شود (متی، ۱۵: ۶-۱؛ مرقس، ۷: ۱۳-۱).

یکی از فریسیان از عیسی علیه السلام پرسید: آیا اجازه می‌دهید مرد، زن خود را طلاق دهد؟ عیسی علیه السلام جواب داد: «مگر کتاب آسمانی را نمی‌خوانید؟ در کتاب آسمانی نوشته شده است که در آغاز خلقت پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود، برای همیشه به زن خود پیوندند و با او یکی شود، به طوری که آن دو نفر دیگر دو تن نیستند بلکه یک تن هستند و هیچ کس حق ندارد آنها را از هم جدا کند سپس از عیسی علیه السلام پرسیدند پس چرا موسی فرموده که مرد می‌تواند زنش را طلاق بدهد و کافی است طلاق‌نامه‌ای بنویسد و به دست زنش بدهد و از او جدا شود؟ عیسی علیه السلام پاسخ داد: به خاطر آنکه شما سنگ‌دل هستید. اما من به شما می‌گویم: هر کس همسر خود را به هر علتی جز ناپاک‌دانی طلاق بدهد و با زن دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا شده است (متی، ۱۹: ۹-۳). در این مباحثه، عیسی علیه السلام آیاتی از تورات را پایه‌ی قضاوت خود قرار داده، از جمله عبارت «انسان را از مرد و زن آفرید» (پیدایش، ۱: ۲۷). و عبارت «مرد، پدر و مادر خود را رها می‌کند و به همسرش می‌پیوندد و آن دو یکی می‌شوند» (پیدایش، ۲: ۲۴). سپس نتیجه می‌گیرد که این آیه ثابت می‌کند که خدا می‌خواهد زناشویی فسخ‌ناپذیر باشد و موسی علیه السلام ناچار بود کوتاه بیاید، چون می‌دانست یهودیان نمی‌توانند فرمان نهایی خدا را اطاعت کنید (کار پینتر، ۱۳۷۵ش، ص ۷۳).

در زمینه‌ی عفو و گذشت‌داشتن می‌فرمایند؛ شنیده‌اید که در قدیم به مردم گفته شده: «قتل نکن و هر کس مرتکب قتل شود، محکوم خواهد شد». اما من به شما می‌گویم: هر کس نسبت به برادر خود عصبانی شود، محکوم خواهد شد و هر کس برادر خود را ابله بخواند، به دادگاه برده خواهد شد و اگر او را احمق بخواند، مستوجب آتش جهنم خواهد بود. پس

اگر هدیه خود را به قربانگاه ببری و در آن جا به خاطر بیاوری که برادرت از تو شکایتی دارد، هدیه خود را جلوی قربانگاه بگذار و اول برو با برادر خود آشتی کن و آن گاه برگرد و هدیه خود را تقدیم کن (ر.ک: متی، ۵: ۲۶-۲۱).

در رابطه با قبح زنا می‌فرماید: شنیده‌اید که گفته شده «زنا نکن»، اما من به شما می‌گویم هر گاه مردی از روی شهوت به زنی نگاه کند، در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راست تو باعث گمراهی تو باشد، آن را بیرون آور و دور بیاانداز؛ زیرا بهتر است که عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا اینکه با تمام بدن خود به جهنم افکنده شوی. و اگر دست راست تو را گمراه کند، آن را دور انداز، زیرا بهتر است عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا این که با تمام بدن خود به جهنم افکنده شوی (متی، ۵: ۳۰-۲۷).

گفته شده «هر گاه مردی زن خود را طلاق بدهد، باید طلاق‌نامه‌ای به او بدهد»، اما من به شما می‌گویم هر گاه کسی زن خود را جز به علت زنا طلاق دهد، او را به زناکاری می‌کشاند و هر کسی با چنین زنی ازدواج نماید، زنا می‌کند» (متی، ۵: ۳۱-۳۲؛ مرقس، ۱۰: ۱۱-۱۲؛ لوقا، ۱۶: ۱۸).

ایشان در رابطه با پرهیز از قسم خوردن بیان می‌کنند: شنیده‌اید که در قدیم به مردم گفته شده «قسم دروغ نخور و به هر سوگندی که به نام خداوند یاد کرده‌ای، عمل نما» اما من می‌گویم به هیچ وجه قسم یاد نکن، نه به آسمان، زیرا که عرش خداست، نه به زمین، زیرا که پای‌انداز او است. نه به اورشلیم، زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است و نه به سر خود، زیرا قادر نیستی مویی از آن را سیاه یا سفید کنی. سخن شما فقط بلی یا خیر باشد. زیاده بر این شیطان است (متی، ۵: ۳۳-۳۷).

در اناجیل اربعه مواردی وجود دارد که حضرت عیسی علیه السلام خدا را یگانه می‌داند و خود را بنده خدا دانسته و نسبت به وی ابراز تواضع و فروتنی می‌کند. وی بیان می‌کند: حیات حقیقی آن است که تنها تو را خدای واحد و حقیقی بشناسد و عیسی علیه السلام مسیح را کسی بدانند که تو فرستاده‌ای (یوحنا، ۳: ۱۷). همچنین تعلیم می‌دهد: اول همه احکام این است که:

بشنو ای اسرائیل، خداوند ما خداوند واحد است (انجیل مرقس، ۱۲: ۳۳ - ۲۹). در انجیل متی آمده که ایشان فرمودند: به هیچ کس روی این زمین پدر نگویند، چون شما یک پدر آسمانی دارید که خداست (همان، ۲۳: ۹).

ایشان در زمینه بنده خدا بودن، توکل و امید به برکت و روزی خدا سخنی زیبا بیان می‌کنند، به این شرح که هیچ کس نمی‌تواند بنده دو ارباب باشد، چون یا از اولی بدش می‌آید و دومی را دوست دارد و یا به اولی ارادت پیدا می‌کند و دومی را حقیر می‌شمارد. شما نمی‌توانید هم بنده خدا باشید و هم در بند مال. بنابراین به شما می‌گویم: برای زندگی خود نگران نباشید، که چه بخورید و یا چه بیاشامید و نه برای بدن خود که چه بپوشید، زیرا زندگی از غذا و بدن از لباس مهم‌تر است. به پرندگان نگاه کنید: آنها نه می‌کارند، نه درو می‌کنند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند، ولی پدر آسمانی شما روزی آنها را می‌دهد. مگر ارزش شما به مراتب از آنها نیست؟ کدام یک از شما می‌تواند با نگرانی، ساعتی به عمر خود بیافزاید؟ چرا برای لباس نگران هستید؟ به سوسن‌های صحرا نگاه کنید و ببینید چگونه نمو می‌کنند، آنها نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند. ولی بدانید که حتی سلیمان علیه السلام هم با آن همه حشمت و جلال‌اش مثل یکی از آنها آراسته نشد. پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور ریخته می‌شود این طور می‌آراید، آیا شما را، ای کم‌ایمانان، به مراتب بهتر نخواهد پوشانید! پس نگران نباشید و نگویند: چه بخوریم؟ چه بنوشیم؟ و یا چه بپوشیم؟ تمام ملل جهان برای به دست آوردن این چیزها تلاش می‌کنند، اما پدر آسمانی شما می‌داند که شما به همه این چیزها احتیاج دارید. شما قبل از هر چیز برای به دست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد (متی، ۶: ۳۴-۲۴؛ لوقا، ۱۶: ۱۳؛ ۱۲: ۳۱-۲۲).

در انجیل متی آمده که حضرت عیسی علیه السلام به مدت چهل روز روزه بود (متی، ۴: ۲). همچنین ایشان روزه گرفتن را برای شفای بیماران و خروج روح ناپاک از بدن آنها موثر می‌داند. شاگردان عیسی علیه السلام به ایشان گفتند برای چه نتوانستیم فردی که مبتلا به بیماری صرع است را شفا دهیم؟ عیسی علیه السلام به آنها گفت: چون ایمان شما کم است، بدانید که اگر به اندازه یک دانه خردل ایمان داشته باشید، می‌توانید به این کوه بگویید که از این جا به آن جا منتقل شود. لیکن این جنس

جز به دعا و روزه بیرون نمی‌رود (متی، ۱۷: ۲۱-۱۴؛ مرقس، ۹: ۲۹). و توصیه می‌کنند وقتی روزه می‌گیرید مانند ریاکاران، خودتان را پریشان نشان ندهید. آنان قیافه‌های خود را تغییر می‌دهند تا روزه‌دار بودن خود را به رخ دیگران بکشند. یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته‌اند! اما وقتی تو روزه می‌گیری، سر خود را شانه کن و صورت خود را بشور تا مردم از روزه تو باخبر نشوند، بلکه فقط پدر تو که در نهان است، آن را بداند و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست، اجر تو را خواهد داد (متی، ۶: ۱۶-۱۸).

در پرهیز از ریاکاری در تکالیف دینی همچون صدقه دادن بیان می‌کنند: مواظب باشید که وظایف دینی خود را برای جلب توجه مردم در انظار دیگران انجام ندهید، زیرا اگر چنین کنید، هیچ اجری نزد پدر آسمانی خود ندارید. پس هرگاه صدقه می‌دهی آن را با ساز و کرنا اعلام نکن، چنانکه ریاکاران در کنیسه‌ها و خیابانها می‌کنند تا مورد ستایش مردم قرار بگیرند. یقین بدانید که آنان اجر خود را یافته‌اند! و اما تو، هرگاه صدقه می‌دهی، نگذار دست چپ تو از آن چه دست راست می‌کند، آگاه شود. از صدقه دادن تو کسی باخبر نشود و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست، اجر تو را خواهد داد (متی، ۶: ۴-۱).

در انجیل متی آمده که ایشان فرمودند: خوشا به حال آنان که در روح مسکین‌اند، زیرا که ملکوت آسمان از آن آنهاست، خوشا به حال آنان که حزین هستند، به جهت آنکه تسلی خواهند یافت. خوشا به حال افتادگان و متواضعان از آن که وارث زمین خواهند شد، خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه راستی‌اند که سیر خواهند گردید، خوشا به حال رحم‌کنندگان که مورد رحمت واقع خواهند شد. خوشا به حال پاک‌دلان که ایشان خدا را خواهند دید. خوشا به حال صلح‌کنندگان از آن‌جا که فرزندان خدا خوانده خواهند شد. خوشا به حال آنان که از برای راستی زحمت می‌کشند و در راه نیکی آزار می‌بینند، به سبب آنکه ملکوت آسمان از آن آنهاست (ر.ک: متی، ۵: ۱۰-۱؛ لوقا، ۶: ۲۳-۲۰).

در انجیل یوحنا آمده حضرت عیسی علیه السلام متواضعانه برای خود، شاگردان و مؤمنان آینده به درگاه خداوند دعا کرده است (ر.ک: همان، ۱۷: ۲۶-۱).

ایشان در زمینه درخواست و طلب کمک از خداوند بیان می‌کنند: بخواهید، به شما داده خواهد شد. بجوید، پیدا خواهید کرد. در بنزید، در به رویتان باز خواهد شد. چون هر که بخواهد، به دست می‌آورد و هر که بجوید، پیدا می‌کند و هر که در بنزد، در به رویش بازمی‌شود. آیا کسی در میان شما هست که وقتی پسرش از او نان بخواهد، سنگی به او بدهد؟ و یا وقتی ماهی می‌خواهد، ماری در دستش بگذارد؟ پس اگر شما که انسانهای شریبری هستید، می‌دانید چگونه باید چیزهای خوب را به فرزندان خود بدهید، چه قدر باید مطمئن باشید که پدر آسمانی شما چیزهای نیکو را به آنانی که از او تقاضا می‌کنند عطا خواهد فرمود! (متی، ۷: ۱۱-۷؛ لوقا، ۱۱: ۱۳-۹).

در زمینه نحوه دعا کردن نیز تذکر می‌دهند که وقتی دعا می‌کنید مانند ریاکاران نباشید. آنان دوست دارند در کنیسه‌ها و گوشه‌های خیابانها بایستند و دعا بخوانند تا مردم آنان را ببینند. یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته‌اند! هرگاه تو دعا می‌کنی به اندرون خانه خود برو، در را ببند و در خلوت، در حضور پدر نادیده خود دعا کن و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست، اجر تو را خواهد داد. در وقت دعا مانند بت‌پرستان وردهای بی‌معنی را تکرار نکنید، آنان گمان می‌کنند با تکرار زیاد، دعایشان مستجاب می‌شود. پس مثل ایشان نباشید، زیرا پدر شما احتیاجات شما را پیش از آنکه از او بخواهید می‌داند. پس شما این‌طور دعا کنید: ای پدر آسمانی ما، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید. اراده تو همان‌طور که در آسمان اجرا می‌شود، در زمین نیز اجرا شود. نان روزانه ما را امروز به ما بده. خطاهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز خطاکاران خود را می‌بخشیم. چون اگر خطاهای دیگران را ببخشید پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید. اما اگر شما مردم را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید، ما را در وسوسه‌ها میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده، زیرا پادشاهی و قدرت و جلال تا ابدالابد از آن توست. آمین! (متی، ۶: ۱۵-۵؛ لوقا، ۱۱: ۴-۲).

عیسی مسیح ﷺ در زمینه پرهیز از قضاوت در مورد دیگران می‌فرماید: درباره دیگران قضاوت نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید. همان‌طور که شما دیگران را محکوم می‌کنید، خودتان نیز محکوم خواهید شد. با هر پیمانهای که به دیگران بدهید، با همان پیمانها عوض خواهید گرفت. چرا پر کاهی را که در چشم برادرت هست می‌بینی، ولی در فکر چوب بزرگی

که در چشم خود داری نیستی؟ یا چگونه جرأت می‌کنی به برادر خود بگویی: اجازه بده پر کاه را از چشمت بیرون آورم، حال آنکه خودت چوب بزرگی در چشم داری. ای ریاکار، اول آن چوب بزرگ را از چشم خود بیرون بیاور، آن‌گاه درست خواهی دید که پر کاه را از چشم برادرت بیرون بیاوری (متی، ۷: ۵-۱؛ لوقا، ۶: ۳۸-۳۷ و ۴۲-۴۱).

مسیحیان نیز موظف هستند به دستورات عیسی علیه السلام عمل کنند، در غیر این صورت زیان می‌بیند. عیسی علیه السلام درباره کسانی که از سخنان ایشان پیروی می‌کنند و کسانی که سرپیچی می‌کنند، می‌فرماید: پس کسی که سخنان مرا می‌شنود و به آنها عمل می‌کند، مانند شخص دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا نموده. باران بارید، سیل جاری شد و باد وزیده بر آن فشار آورد، اما آن خانه خراب نشد، زیرا شالوده آن بر روی سنگ بود. اما هر که سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، مانند شخص نادانی است که خانه خود را بر روی شن بنا کرده؛ باران بارید، سیل جاری شد و باد وزیده به آن خانه فشار آورد و آن خانه فرو ریخت و چه خرابی عظیمی بود! (متی، ۷: ۲۷-۲۴؛ لوقا، ۴۹-۴۷).

۲-۱- نتیجه

عیسی مسیح علیه السلام وارث یک دین کامل با نظام اعتقادی، اخلاقی و احکام شرعی و حقوقی بود و خودش را مأمور تکمیل آن معرفی می‌کرد؛ اما از آن‌جا که عالمان دین در جنبه‌هایی از آن افراط کردند و بخش‌هایی را به فراموشی سپردند، آن حضرت در فرایند اصلاحی خویش بر جنبه‌های فراموش شده تاکید می‌ورزید، و این نکته را باید یادآور شد از آن‌جا که در انجیل، خداوند سوگند خورده مسیح علیه السلام تا به ابد زنده باشد و احتیاج به وجود جانشین و پیامبر دیگری نیست (عبرانیان ۷: ۲۴، ۲۱)، تعالیم ایشان همواره جاودانه خواهد بود و عمل به آنها باعث سعادت مسیحیان می‌شود.

۲- وجود رسولان بعد از عیسی علیه السلام

عیسی مسیح علیه السلام در آغاز رسالت خود افرادی را از میان پیروانش انتخاب کرد تا به تبلیغ و نشر دعوت او به وی کمک کنند و آنان را رسول نامید (لوقا، ۶: ۱۳-۱۲). نام‌های آنها عبارتند از: شمعون (معروف به پطرس)، اندریاس (برادر شمعون)، یعقوب، یوحنا، فیلیپ، برتولما، متی، توما، یعقوب (پسر حلفی) شمعون (معروف به فدایی)، یهوذا (پسر یعقوب)، یهوذا اسخریوطی (کسی که در آخر به عیسی علیه السلام خیانت کرد) (متی، ۱۰: ۴-۱؛ لوقا، ۶: ۱۶-۱۴).

یهودا مدتی بعد از خیانتش می‌میرد و یازده رسول، متیاس را به جای او انتخاب می‌کند. و باز تعداد آنها به ۱۲ می‌رسد (اعمال رسولان، ۱: ۲۶-۲۱). عیسی علیه السلام به آنها قدرت و اقتدار داد تا ارواح پلید را از وجود دیوانگان بیرون کنند و بیماران را شفا بدهند و به آنها دستور داد تا بروند و فرا رسیدن ملکوت خدا را به مردم اعلام کنند (لوقا، ۹: ۶-۱؛ مرقس، ۶: ۱۳-۷). عیسی مسیح علیه السلام خطاب به رسولانش می‌گوید: همان‌طور که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم. بعد از گفتن این سخن، عیسی علیه السلام بر آنها دمید و گفت: روح القدس را بیایید، گناهی که شما ببخشید، بخشیده می‌شود و آنانی را که نبخشید بخشیده نخواهد شد (یوحنا، ۲۰: ۲۳-۲۱). به این ترتیب دستورات لازم به وسیله روح القدس به رسولان برگزیده داده شده و با هدایت روح القدس، رسولان قدرت یافته و کلیسای مسیح علیه السلام را بنا کردند (ر.ک: اعمال، ۱: ۹-۲). تایید، تعلیم، اختیارات و اعمال آنها توسط روح القدس (یوحنا، ۱۴: ۲۶) خود دلیلی بر حجیت و صدق گفتارهایشان بود.

مسیحیان اولیه، رسولان را به منزله پیغمبران خدا دانسته و به نبوت آنها معتقد بودند و پیغام آنها را مانند کلام خدا قبول می‌کردند (رامیار، ۱۳۵۲ ش، ص ۲۷۵).

عیسی علیه السلام بیان می‌کند کسی که از رسولانش اطاعت کند، مزد و اجر دریافت می‌کند. در انجیل متی آمده که ایشان فرمودند: هر کس که شما را بپذیرد، مرا پذیرفته و هر که مرا بپذیرد، فرستنده من را پذیرفته. هر کس نبی را به خاطر اینکه

نبی است بپذیرد، اجر یک نبی را به دست خواهد آورد، یقین بدانید هرگاه کسی به یکی از کوچکترین پیروان من به خاطر اینکه پیرو من است، حتی یک جرعه آب سرد بدهد، به هیچ وجه بی اجر نخواهد ماند (متی، ۱۰: ۴۲-۴۰).

در میان رسولان شمعون (پطرس) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، چنانچه در انجیل متی آمده، کلید حل و عقد امور ابتدا به وی سپرده شد. عیسی ﷺ خطاب به پطرس فرمود: من کلیدهای ملکوت خدا را در اختیار تو می‌گذارم تا هر دری را که بر روی زمین ببندی و هر آن چه را منع کنی، در آسمان بسته و ممنوع شود و هر دری را بگشایی و هر امری را جایز بدانی در آسمان نیز جایز دانسته خواهد شد (متی، ۱۶: ۱۹-۱۸).

۱-۲- شریعت نزد رسولان عیسی ﷺ

رسولان نیز به پیروی از عیسی ﷺ پایبند شریعت موسی ﷺ بودند و بر اخلاقیات که در دین یهود به فراموشی سپرده شده بود، تأکید می‌کردند. علاوه بر آن از اختیارات خود نیز استفاده کردند و جهت آسان کردن احکام، پاره‌ای از آن را نسخ کردند.

جان ناس بیان می‌گوید: حواریون نیز مانند عیسی ﷺ پایبند به شریعت موسی ﷺ بودند و تمام رسوم و آداب شریعت یهود را رعایت می‌کردند و هر روز به معبد می‌رفتند و آیین حضرت موسی ﷺ را مانند دیگر یهودیان مورد احترام قرار می‌دادند (همو، ۱۳۷۰ش، ص ۶۱۱). مواردی در انجیل وجود دارد دال بر پیروی شریعت موسی ﷺ توسط رسولان، از جمله یعقوب رسول ﷺ که بیان می‌کند: باید به شریعت پایبند بود زیرا تکمیل کننده ایمان است. او بیان می‌کند چه فایده دارد اگر کسی بگوید من ایمان دارم، ولی عمل او این را ثابت نکند. ایمانی که با عمل همراه نباشد، مرده است. پدر ما ابراهیم ﷺ به خاطر کارهای خود در وقتی که فرزند خویش اسحاق ﷺ را در قربانگاه تقسیم خدا کرد، نیک و عادل محسوب شد. ایمان او محرک کارهای او بود و کارهای او نیز ایمانش را کامل گردانید (یعقوب، ۲: ۱۷، ۱۴، ۲۱، ۲۲).

باز ایشان اظهار می‌دارند: کسی که با دقت به شریعت کامل و آزادی بخش نگاه کند، همیشه متوجه آن باشد، شنونده فراموشکاری نباشد و مطابق آن رفتار کند، خداوند تمام کارهای او را برکت خواهد داد (یعقوب، ۱: ۲۵).
وی می‌گوید: اگر شما قانون شاهانه‌ای را که در کلام خداست و می‌فرماید: «هم سایه‌ات را مثل جان خود دوست بدار، به جا آورید، کاری نیکو کرده‌اید. اما اگر بین اشخاص از روی ظاهر آنها تبعیض قایل شوید، مرتکب گناه شده‌اید و شریعت، شما را به عنوان خطاکار محکوم می‌نماید. چون اگر کسی تمام شریعت را رعایت کند و فقط یکی از قوانین آن را بشکند، باز هم در مقابل تمام شریعت مقصر است. زیرا همان کسی که گفت: «زنا نکن» هم چنین گفته است: «قتل نکن». پس اگر تو زنا نکنی ولی مرتکب قتل شوی، باز هم شریعت را شکسته‌ای (یعقوب، ۲: ۱۱-۸).

در کتاب اعمال رسولان آمده: رای روح القدس و ما این است، که جز دستوراتی که در زیر می‌آید، بار شما (غیر یهودیان) را سنگین‌تر نسازیم و آن این است که از هر چه برای بت‌ها قربانی شده و از خون و حیوانات خفه شده و زنا دوری جوید (اعمال رسولان، ۱۵: ۲۱-۱۹). و این نیز شریعت موسی علیه السلام بود که در روزهای شنبه در هر شهر در کنیسه‌ها موعظه می‌شد و به نسبت بعضی از احکام (ختنه) تورات برای غیر یهودیانی که مسیحی می‌شدند، آسان‌تر بود (ر.ک: اعمال رسولان، ۱۵: ۲۱-۱). این عبارت هم بیانگر تأیید شریعت موسی علیه السلام توسط رسولان است و هم نشان می‌دهد رسولان از اختیاراتی که عیسی علیه السلام به آنها داده، استفاده کرده و با هدایت و تأیید روح القدس برخی احکام را برای غیر یهودیانی که به دین مسیحیت ایمان می‌آوردند و انجام آن برایشان دشوار بود، حذف کردند اما این به معنای نسخ کامل شریعت موسی علیه السلام توسط رسولان نیست.

۲-۲. شریعت نزد پولس

پولس که به عقیده جان ناس برخی او را دومین مؤسس مسیحیت می‌نامند، (بی‌نا، ۱۳۷۰ش. ص ۶۱۳) خود یهودی بود و دست به قتل و کشتار مسیحیان می‌زد، ولی به عیسی علیه السلام ایمان آورد، (ر.ک: اعمال رسولان، ۹: ۱۶-۱) و از جانب

عیسی ﷺ مأمور تبلیغ این دین شد (اعمال رسولان، ۹، ۱۶-۱۵؛ اعمال، ۲۲: ۱۱-۱۰). همچنین وی خود را رسول عیسی ﷺ می‌دانست (اول قرن‌تس ۱:۱) که مأموریت‌اش خدمتگزاری به او بود (رومیان، ۱۵: ۱۶). به این ترتیب با توجه به اینکه مسیحیت نگاه ویژه‌ای به پولس دارد و طبق نظر افرادی او دومین مؤسس مسیحیت است، لازم است دیدگاه وی پیرامون شریعت نیز بیان شود.

از سخنان پولس در رساله‌هایش این مطلب به دست می‌آید که وی مخالف شریعت نیست، بلکه او همچون دیگر رسولان بر جنبه‌های فراموش شده تاکید می‌ورزید و علاوه بر آن از اختیارات خود نیز استفاده کرده و جهت آسان کردن احکام، پاره‌ای از آن را نسخ کرد.

۱-۲-۲- سخنان پولس در تأیید شریعت

پولس در نامه به رومیان بیان می‌کند که شریعت روحانی است، اما من نفسانی هستم و مانند برده‌ای به گناه فروخته شده‌ام. وقتی کاری می‌کنم که نمی‌خواهم بکنم، این نشان می‌دهد که من با حقانیت شریعت موافقم (رومیان، ۷: ۱۴، ۱۶). در همین رساله آمده شریعت به خودی خود مقدس است و تمام احکام آن مقدس و عادلانه و نیکوست (همان، ۷: ۱۲). ایمان، شریعت را از میان بر نمی‌دارد، بلکه آن را استوار می‌سازد (رومیان، ۳: ۳۱). باز در همین رساله پولس شریعت را مظهر معرفت و حقیقت می‌داند که باید از آن اطاعت کرد (رومیان، ۲: ۲۵-۲۰).

پولس معتقد است که باید به شریعت عمل کرد. وی بیان می‌کند، شنیدن احکام به تنهایی هیچ کس را در حضور خدا کاملاً نیک نمی‌سازد، بلکه مجریان شریعت اند که نیک شمرده می‌شوند (رومیان، ۲: ۱۳). وی با استناد به عبارتی در تورات بیان می‌کند که می‌تواند مخارج خود را از کلیسا تامین کند، همان‌طور که چوپان حق دارد از شیر گوسفندان گله خود بخورد. در تورات حکم شده که وقتی گاو، خرمنت را می‌کوبد، دهانش را نبند تا بتواند از خرمنت بخورد. آیا تصور می‌کنید که خدا فقط به فکر گاوها بوده؟ آیا فکر نمی‌کنید که این دستور را برای ما نیز داده؟ بله همین‌طور است. خدا

این حکم را داد تا نشان دهد که مسیحیان باید معاش خدمتگزاران روحانی خود را تامین کنند (ر.ک: اول قرن‌تیان، ۹: ۱۲-۱). او به عنوان یک مسیحی خود را مطیع احکام خدا می‌داند (اول قرن‌تیان، ۹: ۲۱). وی اظهار می‌دارد: کسانی که برای بت‌ها قربانی می‌آورند، در واقع خود را همراه با قربانی‌شان نه به خدا بلکه به شیاطین تقدیم می‌کنند، و من نمی‌خواهم هیچ‌یک از شما با خوردن گوشت این قربانی‌ها با شیاطین شریک شوید (اول قرن‌تیان، ۱۰: ۲۰). و عنوان می‌کند اگر خوردن گوشتی که برای بت قربانی شده است، باعث گناه کردن برادر من شود، من تا عمر دارم از آن نمی‌خورم (اول قرن‌تیان، ۸: ۱۳). خوردن گوشت قربانی‌ها نیز در یهودیت ممنوع بود (ر.ک: اعمال رسولان، ۱۵: ۲۱-۱۹). او برای متاهلان دستوری دارد که می‌گوید سخن عیسی علیه السلام است و آن این است که یک زن شوهردار نباید شوهر خود را ترک کند، اما اگر چنین کند یا باید تنها بماند و یا دوباره با شوهرش آشتی کند و شوهر نباید زن خود را طلاق بدهد (اول قرن‌تیان، ۷: ۱۱-۱۰).

وی بیان می‌کند که نباید راجع به خواهر و برادران خود قضاوت کنیم و یا آنها را تحقیر کنیم، چرا که همه ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد. زیرا کلام خدا می‌فرماید: «خداوند می‌گوید، به حیات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو درآمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود». بنابراین از قضاوت کردن درباره یکدیگر خودداری کنیم (رومیان، ۱۴: ۱۳-۱۰).

در نامه به افسسیان خطاب به ایمان‌داران می‌گوید: هیچ وقت دروغ نگوئید بلکه همیشه به دیگران راست بگوئید، زیرا همه ما اعضای یکدیگریم؛ اگر عصبانی شدید، نگذارید خشم‌تان شما را به گناه بکشاند و به ابلیس فرصت ندهید؛ دزدان از عمل خود دست بردارند؛ یک کلمه زشت از دهانتان خارج نشود و گفتارتان خوب و به موقع و سودمند باشد؛ نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز باشید. (افسسیان، ۴: ۳۲-۲۵). باز در همین نامه بیان می‌کند که زن‌ها و شوهرها باید مطیع یکدیگر باشند و یکدیگر را دوست داشته باشند و محترم بشمارند، زیرا اعضای یک بدن هستند؛ به جهت این کلام

خدا که می‌فرماید: «مرد، پدر و مادر ترک می‌کند و به زن خود می‌پیوندد و آن دو یک تن خواهند شد» (ر.ک: افسسیان، ۵، ۳۲-۲۱).

وی خطاب به فرزندان می‌گوید: وظیفه هر مسیحی این است که از والدین خود اطاعت کند. اولین حکمی که با وعده همراه بود این است: «پدر و مادر خود را احترام کن». و وعده آن این بود: «تا کامیاب گردی و عمرت در زمین طولانی شود». و به پدران نیز می‌گوید فرزندان خود را خشمگین نسازید بلکه آنان را با آموزش و پرورش مسیحی تربیت کنید (افسسیان، ۶: ۴-۱).

۲-۲-۲- برخی از تعالیم پولس

وی اموری از قبیل شهوت‌رانی، بت‌پرستی، زنا، لواط، دزدی، طمع کاری، مست کردن، ناسزا گفتن و کلاهبرداری را قبیح می‌داند و می‌گوید: افرادی که این اعمال را انجام دهند، در پادشاهی خدا جایی ندارند (اول قرنتیان، ۸، ۱۰-۹). افرادی از پولس درباره امر ازدواج کردن سوال پرسیدند و او به آنها پاسخ داد: چون اطراف ما پر از و سوسه‌های جنسی است، بهتر است هر مرد برای خود زنی و هر زن برای خود شوهری داشته باشد و در مورد مجردها و بیوه‌ها می‌گوید: اگر نمی‌توانند جلوی امیال خود را بگیرند، ازدواج کنند، زیرا ازدواج کردن از سوختن در آتش شهوت بهتر است (اول قرنتیان، ۷: ۹). بار دیگر از قول خودش به عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌کند که اگر مردی مسیحی زنی بی‌ایمان داشته باشد و آن زن را ضی به زندگی با او باشد، مرد نباید او را طلاق بدهد و اگر زنی مسیحی مردی بی‌ایمان داشته باشد و شوهرش راضی به زندگی با او باشد، زن نباید او را ترک کند (اول قرنتیان، ۷: ۱۳-۱۲). وی نیز به زن‌ها دستور می‌دهد که در هنگام عبادت و دعا سر خود را بیوشانند (ر.ک: همان ۱۱: ۱۶-۱). بنابراین طبق مطالب گفته شده وی نه تنها مخالف شریعت نبود، بلکه موافق آن بود و از آن پیروی می‌کرد. هانس کونگ بیان می‌کند که مخالفت پولس با اصل تورات نیست و از سائنها باید از آن همچون امر خدا اطاعت کنند، مخالفت او با اعمالی از قبیل ختنه و احکام مربوط به طهارت،

غذا و روز سبت است که برای بسیاری از یهودیان نیز تکلیف سنگینی است. بنابراین مسیحیان اصالتاً یهودی، می‌توانند این اعمال را رعایت کنند، اما مجبور به انجام آنها نیستند، آنچه برای نجات تعیین‌کننده است، ایمان به عیسی مسیح است و مسیحیان اصالتاً غیر یهودی می‌توانند فقط به دستورات اخلاقی تورات که بر عهده آنان گذاشته شده، عمل کنند نه دستورات آینی و عبادی (رک: کونگ، ص ۳۶-۳۵).

به این ترتیب پولس برای ترویج مسیحیت بین غیر یهودیان، آن را از نظر عمل آسان کرد، چون عمل به دستورات پیچیده یهودیت سخت بود، بنابراین پاره‌ای از شریعت موسی را حذف کرد. اگر چه مسیحیت نسبت به یهودیت احکام کمتری دارد، با وجود این دارای احکام و آدابی است؛ مهم‌ترین آنها که مسیحیان موظف به انجام آن هستند عبارت‌اند از: غسل تعمید (تشریف و تطهیر نمادین از گناه به وسیله آب)، تصدیق و تأیید (و عضویت در کلیسا)، عشاء ربّانی (صرف غذایی آیینی)، توبه (اعتراف و عفو گناهان) این رسم را پروتستانها قبول ندارند، تدهین (چرب کردن بیمار با روغن به ویژه پس از مرگ)، تقدیس مقام‌های مقدس، ازدواج، دعا، روزه و صدقه (دائرة المعارف ادیان زنده جهان، ۱۳۸۹ش، ص ۵۰۶-۵۰۵؛ آریا، ۱۳۷۷ش، ص ۱۵۸-۱۵۷).

از مجموع آنچه درباره شریعت عیسی علیه السلام، رسولان و پولس گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که همه شریعت عیسی مسیح علیه السلام تا ابد باقی‌نماند و پاره‌ای از آنها توسط رسولان به دلیل آسان شدن شریعت مسیحیت البته با اجازه و اختیاراتی که عیسی علیه السلام به آنها داده بود، حذف شد. تعالیم و شریعتی که توسط رسولان ارائه می‌شد تا ابد پایدار می‌ماند، چون با تأیید روح القدس و عیسی علیه السلام که گفته بود تا ابد همراه شاگردانش است، همراه بود.

۳- وجود کلیسا بعد از عیسی مسیح علیه السلام

واژه کلیسا از لفظ اکلِسیا، و به معنی جمهور مؤمنان به مسیح «امت مسیحی» می‌باشد. به این ترتیب کلیسا به معنی ساختمانی که مسیحیان در آن جمع می‌شوند و به عبادت می‌پردازند، نیست (سلیمانی اردستانی، ۱۳۷۵ش، ص ۲۶؛ میلر، ۱۹۸۱م، ص ۶۱). نخستین کلیسا، کلیسای واتیکان روم است که نخستین سنگ‌بنای آن به وسیله پطرس نهاده

شد (آریا، ۱۳۷۷ش، ص ۱۵۶). عیسی مسیح ﷺ وی را به جانشینی در امور ظاهری و معنوی منصوب کرد و اجازه حل و عقد امور را به او داد. در انجیل متی آمده عیسی ﷺ خطاب به پطرس گفت: «به تو می‌گویم که تو پطرس هستی و من بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و نیروهای مرگ هرگز بر آن چیره نخواهند شد (متی، ۱۶: ۱۹-۱۸). بعد از رسولان اختیارات به کلیسا واگذار شد. در انجیل متی آمده: اگر برادرت به تو بدی کند با او راجع به موضوع در خفا صحبت کن. اگر به سخن تو گوش نکرد، با ۲ یا ۳ نفر دیگر پیش او برو تا این اشخاص شاهد سخنان تو باشند. اگر باز به سخنان تو گوش نداد، این بار موضوع را با کلیسا در میان بگذار و اگر کلیسا به تو حق بدهد و آن برادر باز هم زیر بار نرود، آن‌گاه کلیسا باید با او همچون یک بیگانه رفتار کند، مطمئن باشید که هر چه در زمین ببندید، در آسمان بسته می‌شود و هر چه در زمین باز کنید در آسمان هم باز می‌شود (متی، ۱۸: ۱۵-۱۸).

کلیسا در مورد اول (متی، ۱۶: ۱۹-۱۸)، به معنای جمیع مسیحیان و در مورد دوم (متی، ۱۸: ۱۵-۱۷)، به معنای مسیحیان حوزه مشخصی می‌باشد. به این ترتیب حضرت عیسی ﷺ تصمیم داشت از پیروان خود تشکیل مجمعی را بدهد و لفظ کلیسا را بر آن اطلاق کند (میلر، ۱۳۸۲ش، ص ۴۵-۴۴). به این ترتیب اختیارات حل و عقد امور را ابتدا به رسولان و سپس به کلیسای عمومی واگذار کرد.

عیسی ﷺ همه نبوت‌ها را تکمیل کرد و آمدن پیغمبر (صاحب کتاب و شریعت جدید) دیگری را پیشگویی نکرد، بلکه فرمود خودش به وسیله قدرت روح القدس تا به ابد همراه شاگردان‌اش که مؤسسين و پیشوایان کلیسا هستند، خواهد بود (ر.ک: میلر، ۱۳۸۲ش، ص ۳۴-۳۳، ۴۷؛ ر.ک: دانستن، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰۷). به این ترتیب بعد از عصر رسولان، وحی جدیدی پذیرفته نیست و کل وحی به رسولان منتقل شد و آن‌چه رسولان آموختند، به کل کلیسا منتقل شد (برنتل، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹۱). و دیگر نیازی به پیامبر صاحب کتاب و شریعت جدیدی نیست، و وظیفه تمامی مسیحیان این است که پیغام مسیح ﷺ را به همه مردم برسانند و آنها را دعوت کنند تا به مسیح ﷺ ایمان بیاورند، به این ترتیب باید محبت مسیح ﷺ را به همه نژادها و مذاهب، به وسیله شفا بخشیدن بیماران، تعلیم دادن جاهلان و غذا

دادن گر سنگان، نشان دهند. عیسی علیه السلام زندگی خود را در خدمت مردم صرف کرد و اعضای کلیسای او نیز باید از او سرمشق بگیرند (میلر، ۱۳۸۲ش، ص ۶۴؛ هم‌چنین ر.ک: برنتل، ۱۳۸۱ش، ص ۱۷۸-۱۷۶؛ دانستن، ص ۳۳۹-۳۳۸).

از مطالب گفته شده برمی‌آید که آنچه در مسیحیت ختم شده، دیانت است و بعد از عیسی علیه السلام دین و شریعت جدیدی قابل قبول نیست و رسولان ایشان، کلیسا و مقامات روحانی آن جانشینان عیسی علیه السلام هستند که وظیفه داشتند مردم را به اطاعت و ایمان به مسیح علیه السلام دعوت کنند و همه تعالیم ارائه شده توسط آنها با اجازه و تأیید روح القدس و عیسی علیه السلام بود.

نتیجه‌گیری

در ابتدا دو معنا از خاتمیّت در مسیحیت مطرح شد که عبارت اند از: اول: عیسی علیه السلام ختم‌کننده پیامبران تشریحی است و دین مسیحیت آخرین و کامل‌ترین دین است؛ دوم: عیسی علیه السلام آخرین واسطه بین خدا و خلق است و دین مسیحیت نیز آخرین و کامل‌ترین دین موجود است؛ اما در پی بیان فلسفه خاتمیّت که عبارت اند از:

۱- کامل بودن تعالیم و شریعت عیسی مسیح علیه السلام؛

۲- وجود رسولان بعد از عیسی علیه السلام؛

۳- وجود کلیسا بعد از عیسی علیه السلام.

این مطلب به دست می‌آید که خاتمیّت در مسیحیت به معنای ختم دیانت مسیحی می‌باشد که می‌توان این نگرش را

زمینه‌ساز بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دانست.

منابع

- ۱- کتاب مقدس، (ترجمه تفسیری شامل عهد عتیق و عهد جدید)، هزاره نو، انتشارات ایلام، بی تا.
- ۲- انجیل شریف یا عهد جدید، انتشارات انجمن های متحد کتاب مقدس، چاپ سوم، ۲۰۰۹م.
- ۳- فاضل خان، و گلن، ویلیام، و مرتن، هنری، کتاب مقدس، ترجمه همدانی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
- ۴- آریا، غلامعلی، آشنایی با تاریخ ادیان، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- ۵- آل اسحاق خوئینی، علی، آشنایی با مکتب وحی مسیحیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴ش.
- ۶- اگریدی، جوان، مسیحیت و بدعت ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: موسسه فرهنگی طه، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
- ۷- ایزدپناه، مهرداد، آشنایی با دین مسیح، تهران: انتشارات محور، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- ۸- برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
- ۹- بی. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش.
- ۱۰- پترسن، چالز ا.ج، عهد جدید کتاب مقدس (خلاصه و شرح)، ترجمه قربان صباغ، محمد رضا، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- ۱۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۹ش.
- ۱۲- تیواری، کدازنات، دین شناسی تطبیقی، ترجمه مرضیه شنکایی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

- ۱۳- حکمت، علی اصغر، *تاریخ ادیان*، انتشارات ابن سینا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ۱۴- جمعی از نویسندگان، *جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- ۱۵- رامیار، محمود، *نبوت مسیحی (۲) رسالت حواریون*، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان ۱۳۵۲ش.
- ۱۶- زیبایی‌نژاد، محمدرضا، *درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت*، قم: انتشارات اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
- ۱۷- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، *درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت*، قم: کتاب طه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
- ۱۸- همو، عبدالرحیم، *مسیحیت*، قم: آیت عشق، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
- ۱۹- الشیخ، علی، *تولدی نو (سفر من از مسیحیت به اسلام)*، ترجمه مسلم مدنی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
- ۲۰- فیلسون، فلویید، *کلید عهد جدید*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: نور جهان، ۱۳۳۳ش.
- ۲۱- فیشر، مری پت، *دایرة المعارف ادیان زنده جهان*، ترجمه مرضیه سلیمانی، تهران: علم، ۱۳۸۹ش.
- ۲۲- کونگ، هانس، *متفکران بزرگ مسیحی*، گروه مترجمان، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- ۲۳- کلباسی اشتری، حسین، *مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
- ۲۴- ماسون، دنیز، *قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک*، ترجمه فاطمه تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ سوم، ۱۳۹۸م.
- ۲۵- لسلی دانستن، جی، *آیین پروتستان*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- ۲۶- کارپنتر، هامفری، *عیسی علیه السلام*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: صهبا، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.

- ۲۷- میلر، ویلیام، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- ۲۸- همو، مسیحیت چیست؟، ترجمه کمال مشیری و ط. میکائیلیان، تهران: انتشارات حیات ابدی، چاپ پنجم، ۱۹۸۱م.
- ۲۹- هوردن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه ط. میکائیلیان، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- ۳۰- هیوم، رابرت ارنست، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم، چاپ هجدهم، ۱۳۸۸ش.
- ۳۱- ویور، مری جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

